

## **A Stylistic Study of Debate Processes Based on Halliday's Functional Linguistics Theory**

**Zahrabatul Bagherian Hakani\***, **Yahya Talebian\*\***

**Gholamreza Mastali Parsa\*\*\***

### **Abstract**

The study of the prominent poetic debates in Persian literature can make significant contributions to genre and stylistic studies. Given the importance of debates in classical texts and their relation with public discourse, the present research studied eight prominent poetic debates from the fourth to the seventh centuries. Considering the situational context of the texts and the contexts in which they had been formed, Halliday's systemic functional approach was used to explain the debates. A descriptive-analytical method was adopted to study the debates in terms of the ideational metafunction: the process of actions. The findings of the research indicate that the analyzed poetic debates had undergone transformations with regard to the ideational metafunction. The material processes were the most frequent in the prominent debates of the fourth and seventh centuries though with a different function in each century. Moreover, the relational processes had the highest frequency in the prominent debates of the fifth and sixth centuries. Such transformations show that, from the fourth to the seventh centuries, the debates have

\* Ph.D. Candidate of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, (Corresponding Author), Zahrabatol@yahoo.com

\*\* Professor of Persian Language and Literature, Department of Foreign Languages and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, Ytalebian@gmail.com

\*\*\* Associate Professor of Persian Language and Literature, Department of Foreign Languages and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, mastali.parsa@gmail.com

Date received: 12/03/2022, Date of acceptance: 21/06/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

shifted away from objectivity and extroversion towards subjectivity and introversion. In other words, how to use debate processes has considerably evolved over these four centuries.

**Keywords:** Debate, Poetic literature, S, Functional linguistics, Halliday.



## بررسی سبک‌شناسانهٔ فرایندهای فن مناظره براساس نظریهٔ نقش‌گرای هلیدی

زهرآبتول باقریان هکانی\*

یحیی طالبیان\*\*، غلامرضا مست علی پارسا\*\*\*

### چکیده

بررسی مناظره‌های برجسته‌ی منظوم ادب فارسی، در مطالعات ژانری و سبکی می‌تواند دستاوردهای قابل توجهی داشته باشد. در پژوهش حاضر، نظر به اهمیت مناظره‌های متون کلاسیک و پیوند آن با گفتمان عمومی، هشت مناظره‌ی برجسته‌ی منظوم از قرن چهارم تا قرن هفتم انتخاب شد؛ با توجه به بافت موقعیتی متون مورد نظر و زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها، رویکرد نقش‌گرای هلیدی، برای تبیین مناظره‌ها برگزیده شد. روش تحلیل بر اساس بررسی مناظره‌های برجسته‌ی مورد نظر، در بخش «فرانقش‌اندیشگانی: فرایند افعال»، به شیوه‌ی توصیفی تحلیلی، است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مناظره‌های برگزیده‌ی منظوم در این چهار قرن، در زمینه‌ی فرانقش‌اندیشگانی تحولاتی را پشت سر گذاشته‌اند. در مناظره‌های برجسته‌ی قرن چهارم و هفتم، فرایندهای مادی بیشترین بسامد را دارند؛ البته کاربرد فرایندهای مادی در این دو قرن متفاوت است. همچنین در مناظره‌های برجسته‌ی قرن‌های پنجم و ششم فرایندهای رابطه‌ای، بیشترین بسامد را دارند. این تحولات نشان می‌دهد که از قرن چهارم تا قرن هفتم، مناظره‌ها از عینی بودن و برون‌گرایی

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)،  
zahrabatol@yahoo.com

\*\* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران،  
ytalebian@gmail.com

\*\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران،  
mastali.parsa@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

به سمت ذهنی شدن و درون‌گرایی متمایل شده‌اند. به عبارت دیگر، نحوه‌ی استفاده از فرایندهای مناظره‌ها در طول این چهار قرن، تطورات فراوانی داشته است.

**کلیدواژه‌ها:** مناظره، ادبیات منظوم، سبک، زبان‌شناسی نقش‌گرا، هلیدی.

## ۱. مقدمه

### ۱.۱ بیان مسئله و سوالات تحقیق

پژوهش حاضر بر آن است تا فرایندهای افعال را در مناظره‌های برجسته برگزیده منظوم از قرن چهارم تا پایان قرن هفتم بر اساس زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی بررسی کند. پرسش اصلی این تحقیق آن است تا دریابیم که چگونه می‌توان با تحلیل فرایندها در بخش اندیشگانی به تحولات به وجود آمده در نگرش شاعران در طول این چهار قرن رسید؟

### ۲.۱ سوالات تحقیق

- در مناظره‌های برگزیده منظوم از قرن چهارم تا پایان قرن هفتم، کدام فرایندها بیشترین و کم‌ترین بسامد را دارند؟
- بسامد زیاد یا کم این فرایندها چه تناسبی با تحولات اندیشه‌ی شاعران در این چهار قرن دارد؟

### ۳.۱ هدف تحقیق

هدف پژوهش حاضر این است که میزان کارایی نظریه‌ی نقش‌گرای هلیدی را در بررسی تحولات سبکی مناظره‌های برگزیده منظوم بررسی کند.

### ۴.۱ رویکرد و روش تحقیق

- برای رسیدن به تحولات اندیشگانی در مناظره‌های برگزیده منظوم، از روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی استفاده شده است.

## ۵.۱ روش آماری

روش در این مقاله ترکیبی (کمی - کیفی) است و نحوه‌ی اجرای آن توصیفی - تحلیلی است.

## ۶.۱ جامعه آماری

تعداد کل مناظره‌های برجسته‌ی منظوم در قرن‌های چهارم تا هفتم، ۶۲ مناظره و نمونه، شامل ۸ مناظره است که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند.

## ۲. پیشینه تحقیق

درباره مناظره‌های ادبی و نظریه‌ی نقش‌گرای هلیدی مقالات، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی نوشته شده است. اما تاکنون مناظره‌های ادبی از دیدگاه هلیدی بررسی نشده‌اند.

## ۳. مناظره

مناظره در لغت به معنی با یکدیگر بحث کردن معمولاً با دلیل برای اثبات درستی نظر خود و در اصطلاح ادبی آن است که راوی در آن، از زبان دو شخص یا دو چیز گفت‌وگویی ترتیب دهد و در پایان یکی را بر دیگری پیروز گرداند و یا با نقش‌آفرینی شخص سومی، بین آن‌ها داوری کند و امتیازات هر دو را بشمارد (← ایران‌زاده، ۱۳۸۳: ۹).

ژرف‌ساخت مناظره را «حماسه» دانسته‌اند؛ زیرا در آن نزاعی لفظی بر سر برتری به وجود می‌آید و هر یک از طرفین با ارائه‌ی دلایلی، خود را در داشته‌هایی بر حریف ترجیح می‌دهد و در عوض، محاسن حریف را به سخره می‌گیرد (← شریف‌نسب، ۱۳۹۰: ۷۷).

مناظره‌های ادبی جنبه‌ی خیالی و غیر واقعی دارند و شخصیت‌های آن‌ها به زبان حال سخن می‌گویند. این نوع مناظره‌ها یکی از قدیم‌ترین و متداول‌ترین گونه‌ها (ژانرهای ادبی) است. در مناظره‌های زبان حالی معمولاً دو یا چند شخصیت خیالی، خواه حیوان و نبات و خواه اشیای بی‌جان یا حتی مفاهیم محض با یکدیگر مجادله و منازعه می‌کنند و هر کدام از آن‌ها سعی می‌کنند برتری‌های خود را به طرف مقابل

ثابت کند. این برتری جویی‌ها موجب شده است تا گاهی مناظره را مفاخره بنامند (← پورچوادی، ۱۳۸۵: ۳۲).

#### ۴. چهارچوب نظری

زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند، به تحلیل اشکال موجود زبان در جامعه می‌پردازد و زبان را هم‌چون شبکه‌ای از روابط و ساختارهایی که نتیجه‌ی تحقق آن روابطند تعبیر می‌کند. این نگرش بر گوناگونی میان زبان‌ها تأکید می‌کند و معنا‌شناسی را بیان زبان می‌پندارد که حول‌محور متن یا گفتمان (discourse) شکل گرفته است. در این نگرش، زبان شبکه‌ی درهم‌تنیده‌ای از نظام‌هاست که از طریق گزینش‌ها می‌توان آن‌ها را به عنوان نظامی از «معنا» تعبیر و تفسیر کرد.

مطالعه‌ی انتقادی زبان در الگوهای جدید زبان‌شناسی امروز مطرح شده‌است. در این گرایش‌ها، روابط قدرت، بافت تاریخی، ساختارهای فرهنگی و اجتماعی و جهان‌بینی‌ها، متن را شکل می‌دهند و بین آن عوامل و زبان رابطه‌ی دو سویه برقرار است (← دبیرمقدم، ۱۳۷۸: ۴۸).

به گفته‌ی ایشانی (۱۳۹۳: ۲۳ - ۲۴) این معانی از طریق «واژگان» در زبان تشخیص داده می‌شوند. وقتی کاربران زبان این گزینه‌ها را انتخاب می‌کنند، «متن» را به وجود می‌آورند و این متن در «بافت» تولید می‌شود.

#### ۱.۴ بافت موقعیتی

نگره‌های امروزمین مربوط به بافت در زبان‌شناسی سیستمی عمدتاً از زبان‌شناسی بریتانیایی، ج. ر. فرث، و مردم‌شناس بریتانیایی برانیسلاو مالینفسکی، تأثیر پذیرفته است. مالینفسکی در جریان تحقیقات خود در جزایر تروبریانند، به این نتیجه رسیده بود که نگرش به زبان مانند ابزاری برای انتقال اندیشه اسطوره‌ای گمراه‌کننده است. زبان، نوعی کنش است و نه ابزاری برای تفکر؛ و نتیجه گرفت که زبان، وابسته‌ی جامعه‌ای است که در آن به کار می‌رود. به طوری که ارتباط و فهم متقابل میان انسان‌ها تنها در صورتی ممکن است که طرفین ارتباط از مختصات فرهنگی و ویژگی‌های موقعیتی ناظر بر کنش

زبانی آگاه باشند. بنابراین بررسی زبان با در نظر گرفتن کامل چارچوب‌های فرهنگی هر جامعه و ویژگی‌های خاص موقعیت کاربرد کلام امکان‌پذیر است. به این منظور، او تمایزی قایل شد میان بافت فرهنگی که ناظر بر مجموعه امکانات بالقوه‌ی بافتی و افق فکری مشارکان در جامعه است، و بافت موقعیت که مبتنی است بر چارچوب‌های محیطی بالفعل کاربرد کلام و ویژگی‌های مشخص بافتی که یک ارتباط در آن جاری می‌شود (← مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۲۴-۲۳).

«هلیدی زبان را به عنوان یک سیستم و متأثر از شرایط بیرونی تاریخی و اجتماعی می‌داند و از آن با نام «بافت» نام می‌برد» (هلیدی و حسن ۱۳۹۳، ترجمه‌ی آذرحزین و میلادی، ۱۳۹۸: ۴). هلیدی برای تبیین زبان‌شناسی نقش‌گرا از مفهوم بافت موقعیت فرث الهام گرفته است. وی مفهوم بافت موقعیت را با تقسیم بندی چهارگانه‌ی زیر شرح داده است.

شرکت کنندگان: آنچه فرث از آن با عنوان اشخاص و شخصیت‌ها یاد می‌کرد و با آنچه جامعه‌شناسان از آن به جایگاه‌ها و نقش‌های اجتماعی شرکت‌کنندگان تعبیر می‌کردند مطابقت داشت.

عمل یا فعالیت شرکت‌کنندگان: آنچه آن‌ها در حال انجام آن بودند که شامل عمل زبانی و غیر زبانی آن‌ها می‌شود.

سایر ویژگی‌های مرتبط با موقعیت: که عبارت است از اشیا و رخداد‌های محیط تا جایی که بر جریان‌ات امور تأثیر داشته باشد.

تأثیرات فعالیت زبانی: شرکت‌کنندگان در بافت ناگزیر از گفتن اموری بودند که تغییراتی را به وجود می‌آورد (← هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۴۶).

## ۲.۴ فرانش‌های زبان

دستور نقش‌گرا به کاربرد زبان توجه می‌کند. به نظر هلیدی، استفاده از زبان در طول ده‌ها یا هزاران نسل، سیستم را ایجاد کرده است. زبان برای برآورده کردن نیازهای بشر به وجود آمده و از این لحاظ نقشی است. بخش‌های اصلی معنا در زبان، نقشی هستند. همه‌ی زبان‌ها سه نوع نقش کلی دارند؛ نقش اندیشگانی، بینافردی و متنی. هلیدی هریک از این‌ها را

فرانقش می‌نامد. در دستور نقش‌گرا، هر جزء با توجه به نقش آن در کل سیستم بررسی می‌شود (Halliday, 1985:xxiii).

در رویکرد نقش‌گرای هلیدی، فرانقش‌های معنایی یا لایه‌های معنایی زبان در قالب چند نظام نمود می‌یابد. فراکرد اندیشگانی از راه نظام تعدی تحقق می‌یابد، فراکرد بینافردی از طریق نظام وجه و فراکرد متنی از طریق ساخت مبتدا-خبری و ساخت اطلاعاتی (← مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۳۹)

در این بخش انواع فرانقش‌های معنایی در دستور زبان بررسی خواهد شد.

#### ۱.۲.۴ فرانقش اندیشگانی

در دستور نقش‌گرا، فرض بر این است که الگوهای تجربه در قالب فرایندها و از طریق فرانقش اندیشگانی در زبان بازنمایی می‌شوند. از این رو با بررسی فرایندهای موجود در جملات و افعال آن‌ها و در نهایت تعیین بسامد هریک از انواع آن‌ها می‌توان از تجارب، تفکرات و دنیای درون نویسنده آگاه شد. ساز و کار بیان فرانقش اندیشگانی و تجربی در زبان، «نظام گذرایی» است. از نظر هلیدی، زبان دارای نقش و کارکردهای مختلف در جامعه و پدیده‌های اجتماعی است. از این رو رویکرد نقش‌گرایی سعی دارد هم خود زبان را به طور ذاتی توضیح دهد و هم رابطه‌ی آن را با ساختارهایی چون فرهنگ و جامعه بیان کند (لیچ ۱۹۸۸: ۷۶، ترجمه‌ی آذرچین و میلادی، ۱۳۹۸: ۸).

فرانقش اندیشگانی، تجربه‌ی انسان را تفسیر می‌کند. اشیاء را نام‌گذاری و آن‌ها را به مقولات طبقه‌بندی می‌کند. سپس مقولات را در طبقه‌بندی‌ها تفسیر می‌کند. اغلب از نام‌های بیش‌تری برای انجام این کار استفاده می‌کند. بنابراین ما، خانه‌ها، کلبه‌ها، گاراژها و سایبان‌ها داریم که همه، انواع ساختمان هستند. سیار، قدم‌زدن، راه‌پیمایی و یورتمه؛ که همه، انواع راه‌رفتن هستند. این‌ها از زبانی به زبان دیگر متفاوت است (Halliday, 2004:29).

ساختار گذرایی: نظام تعدی یا گذرایی، شبکه‌ای از امکانات گزینشی است از قبیل کنش‌گر، هدف، انواع فرایند، گذرا و ناگذر، معلوم و مجهول و ... که جنبه‌ی تجربی بند را توصیف می‌کند و گوینده تجارب خود را از جهان بیرون و درون از طریق آن‌ها رمزگذاری می‌کند (صدری، ۱۳۹۴: ۵۶).



اصطلاح گذرایی شاید به عنوان روشی برای متمایز کردن افعال براین اساس که آن‌ها مفعول دارند یا خیر، اصطلاح آشنایی باشد؛ اما در دستور نقش‌گرا، گذرایی در یک مفهوم بسیار وسیع‌تر به کار می‌رود. علی‌الخصوص این که گذرایی به یک سیستم (شبکه) برای توصیف کل بند مربوط است، نه این که تنها فعل و مفعولش را توصیف کند. اگرچه گذرایی با کاربرد سستی آن (تمرکز روی گروه فعلی) اشتراکاتی دارد، زیرا نوعی از فعل است که تعیین می‌کند چگونه مشارکان نام‌گذاری می‌شوند. به عنوان مثال، فاعل فرایندهای فیزیکی (مانند لگد زدن یا شوت کردن) یک عنوان متفاوت با فاعل فرایندهای ذهنی (مانند آرزوکردن) دارد (Thompson, 2004:88-89).

#### ۲.۲.۴ فرانش بینافردي

هنگامی که از زبان استفاده می‌کنیم، هم‌زمان با تجزیه و تحلیل، زبان، روابط شخصی و اجتماعی ما را ایفا و اجرا می‌کند. بند در دستور نقش‌گرا، فقط نماینده فرایندها، مشارکان و شرایط محیطی نیست. بلکه یک گزاره یا پیشنهاد است که به موجب آن، مطلع می‌شویم (می‌کنیم)، پرسش می‌کنیم، دستور و پیشنهاد می‌دهیم و نگرش خود را درباره‌ی فرد یا شیء مورد نظر بیان می‌کنیم. فرانش بینافردي، بیان‌گر روابط اجتماعی و فردي است (Halliday, 2004:29-30).

این فرانش، روابط گوینده و شنونده و روش ارتباط بین آن‌ها را بررسی می‌کند و به شکل یکی از روش‌های زیر انجام می‌شود: (۱) دادن اطلاعات در قالب وجه خبری (۲) گرفتن اطلاعات در قالب وجه پرسشی (۳) دادن خدمات در قالب وجه پیشنهادی (۴) درخواست خدمات در قالب وجه امری. بنابراین هرکدام از این رابطه‌ها در ساختار وجه با سه دسته ساخت دستوری خبری، پرسشی و یا امری مطابقت دارد.

#### ۳.۲.۴ فرانش متني

این فرانش با ساختار (شکل‌گیری) متن مرتبط است. تحقق یافتن فرانش‌های اندیشگانی و بینافردي، بستگی دارد به ساختن زنجیرواری از گفتمان، سازمان دادن جریان گفتگو و ایجاد انسجام و پیوستگی بخشیدن به گفتمان در حال پیشرفت. ما این فرانش را متنی می‌نامیم (Halliday, 2004:30).

### ۳.۴ فرایندها

هلیدی مجموعه‌ی تجربیات جهان درون و بیرون انسان را در شش نوع فرایند مادی، ذهنی، رابطه‌ای، رفتاری، بیانی و وجودی خلاصه می‌کند:

#### ۱.۳.۴ فرایند مادی

بر انجام کنش یا وقوع حادثه‌ای دلالت می‌کند. مشارکان این فرایند، کنش‌گر و هدف هستند؛ اگر فرایند، تنها به کنش‌گر اختصاص یابد، ناگذر و در صورتی که علاوه بر کنش‌گر به هدف نیز تسری یابد، گذرا است (Halliday and Matthiessen, 2004:175&179). مانند: گیاهان رویدند. سارا غذا را خورد.

#### ۲.۳.۴ فرایند ذهنی

بر تجربه‌های درونی و ذهنی دلالت دارد؛ مانند: فهمیدن، شنیدن، دوست داشتن و غیره. مشارکان در این فرایند «حس‌گر» و «پدیده» نام دارند. (ibid:192-200). مثلاً در جمله‌ی «سارا مریم را دوست دارد»، نقش کلمه‌ی «سارا»: حس‌گر، «مریم»: پدیده و «دوست دارد»: فرایند ذهنی است.

#### ۳.۳.۴ فرایند رابطه‌ای

این فرایند شامل افعال ربطی مانند: بودن، شدن، گشتن، گردیدن، است و بین دو مشارک، رابطه برقرار می‌کند. (ibid:211-215). مشارکان در این فرایند بسته به نوع آن است. اگر نوع فرایند، وصفی باشد، مشارکان آن: حامل و شاخص هستند. مثال: هوا ابری شد. روابط آن‌ها تیره و تار گردید. گر نوع فرایند، شناسایی باشد، مشارکان آن به شناخته و شناسا تقسیم می‌شوند. مانند: زهرا خواهر مریم است.

#### ۴.۳.۴ فرایند رفتاری

این فرایند شامل تمام رفتارهای روانی و فیزیولوژیک (معمولاً انسان) است و در فاصله‌ی بین فرایند مادی و فرایند ذهنی قرار می‌گیرد. مثلاً: فرایندهای رفتاری نفس‌کشیدن، گوش کردن، خندیدن، خیره‌شدن، رویاپرداختن و... در این فرایند، یک مشارک به نام «رفتارگر» وجود دارد (ibid:248). مانند: علی به موسیقی گوش می‌کند.

#### ۵.۳.۴ فرایند بیانی

این فرایند شامل تمام افعالی است که به گفتن دلالت دارند، مانند: گفتن، پرسیدن، تکرار کردن، دعا کردن، جواب دادن، دستور دادن و ... . مشارکان در این فرایند عبارتند از: گوینده، مخاطب و گفته (ibid:252-253).

#### ۶.۳.۴ فرایند وجودی

این فرایند بر وجود و هستی چیزی دلالت دادند. تنها مشارک در این فرایند، «موجود» است (ibid:256). برای مثال در جمله‌ی «استاد در کلاس است» استاد، «موجود»، در کلاس، «عنصر محیطی» و است، «فرایند وجودی» است.

### ۵. سیر تحول فرایند افعال در مناظره‌های برجسته منظوم مورد نظر از قرن چهارم تا قرن هفتم

در این بخش سیر تحول فرایند افعال با توجه به مبانی نظری این پژوهش در چند مناظره‌ی برجسته‌ی منظوم از قرن چهارم تا قرن هفتم بررسی خواهد شد. مناظره‌های مورد نظر که به روش تصادفی انتخاب شده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. مزدک، قباد و موبد از شاهنامه فردوسی در قرن ۴ (فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۸، ۴۲)
۲. رستم و اشکبوس از شاهنامه فردوسی در قرن ۴ (فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۴، ۱۹۴)
۳. شب و روز از اسدی طوسی در قرن ۵ (مدبری، ۱۳۷۰: ۵۵۲)
۴. گل و باده از فرخی سیستانی در قرن ۵ (فرخی سیستانی، ۱۳۷۸: ۲۲۸)
۵. نافه و کیمخت از خاقانی شروانی در قرن ۶ (خاقانی، ۱۳۸۲: ۳۲۱)
۶. بلبل و باز از نظامی در قرن ۶ (نظامی، ۱۳۸۸: ۶۱)
۷. مری کردن چینی‌ها و رومی‌ها از مولانا در قرن ۷ (مولانا، ۱۳۹۵: ۱۵۹)
۸. پروانه و ناشناس از سعدی در قرن ۷ (سعدی، ۱۳۸۱: ۱۱۲)

برای بررسی فرایند افعال در مناظره‌های مورد نظر، ابتدا تمام افعال موجود در آن‌ها استخراج شد. سپس فرایندهای به کار رفته در هر یک مشخص و انواع آن‌ها بر اساس تقسیم بندی هلیدی گروه بندی شدند. بسامد و درصد وقوع انواع فرایندها در مناظره‌های

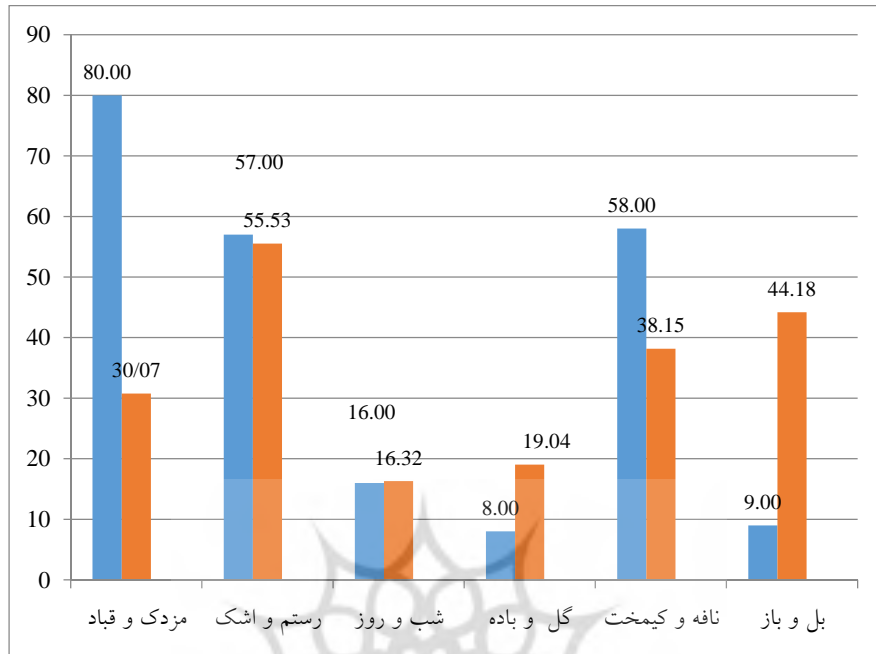
۷۲ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

برگزیده و تفاوت به کارگیری آن‌ها در هر یک از این آثار، شاخصی برای بررسی سیر تحول سبک در مناظره‌های برجسته‌ی منظوم، در نظر گرفته شد.

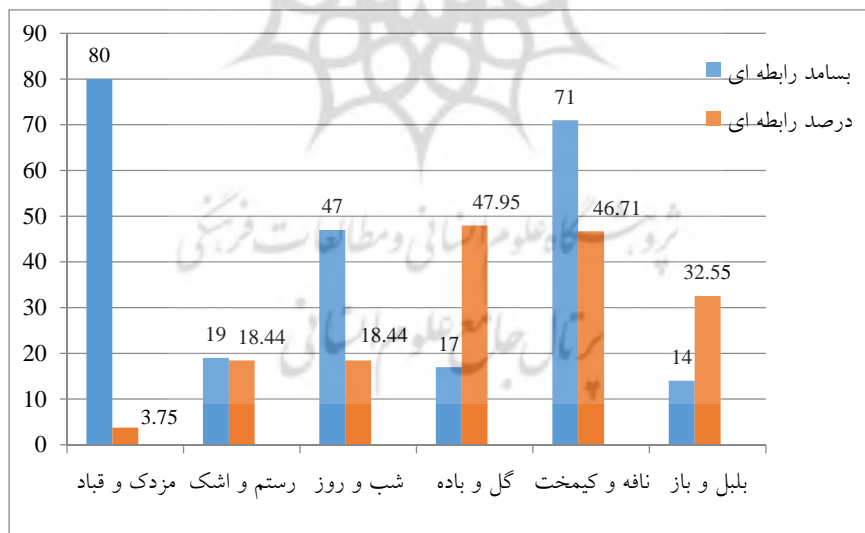
جدول ۱. تعداد و درصد فرایندها در مناظره‌های ادبی مورد نظر

مناظره	مادی		ذهنی		رابطه‌ای		رفتاری		بیانی		وجودی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱-مزدک، قباد و موید فردوسی (قرن ۴)	۸۰	۸۰/۰۷	۳۴	۱۶/۱۶	۸۰	۳۰/۰۷	۳	۱/۱۲	۴۳	۱۶/۱۶	۱۷	۶۳/۹
۲-رستم و اشکبوس فردوسی (قرن ۴)	۵۷	۵۵/۵۳	۵	۴/۵	۱۹	۱۸/۴۴	۴	۳/۸۸	۱۸	۱۷/۴۷	۰	۰
۳-شب و روز اسدی طوسی (قرن ۵)	۱۶	۱۶/۳۳	۴	۴/۰۶	۴۷	۴۷/۹۵	۱	۱/۰۲	۱۰	۱۰/۳۰	۲۰	۲۰/۴۰
۴-گل و باده فرخی (قرن ۵)	۷	۶/۰۶	۳	۷/۱۴	۱۷	۴۰/۴۷	۳	۷/۱۴	۹	۲۱/۴۳	۲	۶/۸۶
۵-نافه و کیمخت خاقانی (قرن ۶)	۵۵	۵۱/۱۵	۱۲	۷/۱۹	۷۱	۴۶/۸۱	۳	۷/۱۴	۶	۳/۹۴	۱۰	۱۰/۵۷
۶-بلبل و باز نظامی (قرن ۶)	۹	۷/۱۸	۰	۰	۱۴	۳۲/۵۵	۲	۴/۶۵	۶	۱۳/۹۵	۲	۴/۶۵
۷-رومی‌ها و چینی‌ها از مولانا (قرن ۷)	۲۱	۱۷/۸۱	۱۴	۱۶/۶۹	۲۰	۳۰/۳۳	۴	۶/۰۶	۴	۶/۰۶	۵	۷/۵۷
۸- پروانه و ناشناس (قرن ۷)	۲۷	۱۷/۴۳	۱۱	۱۶/۴۵	۲۳	۲۹/۱۱	۶	۵/۰۶	۷	۱۰/۱۲	۴	۶/۰۶

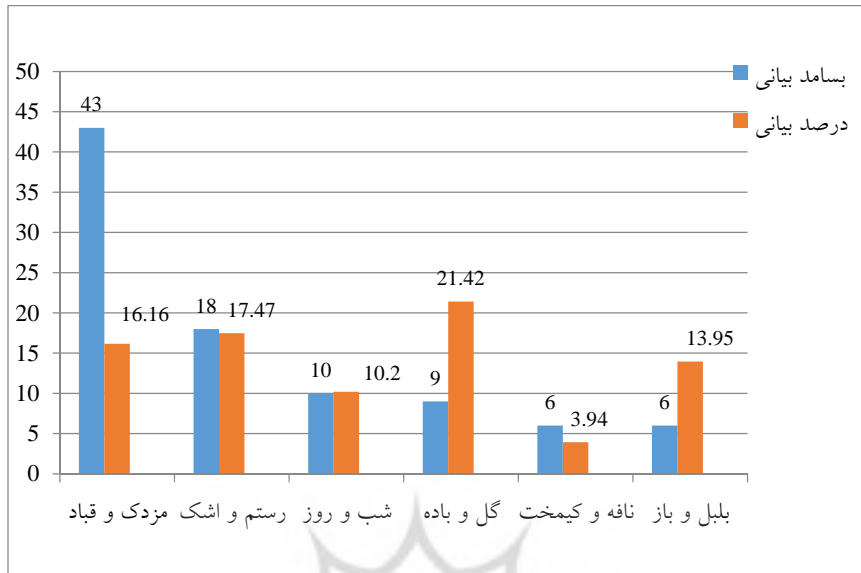
بررسی سبک‌شناسانه فرایندهای ... (زهرا بتول باقریان هکانی و دیگران) ۷۳



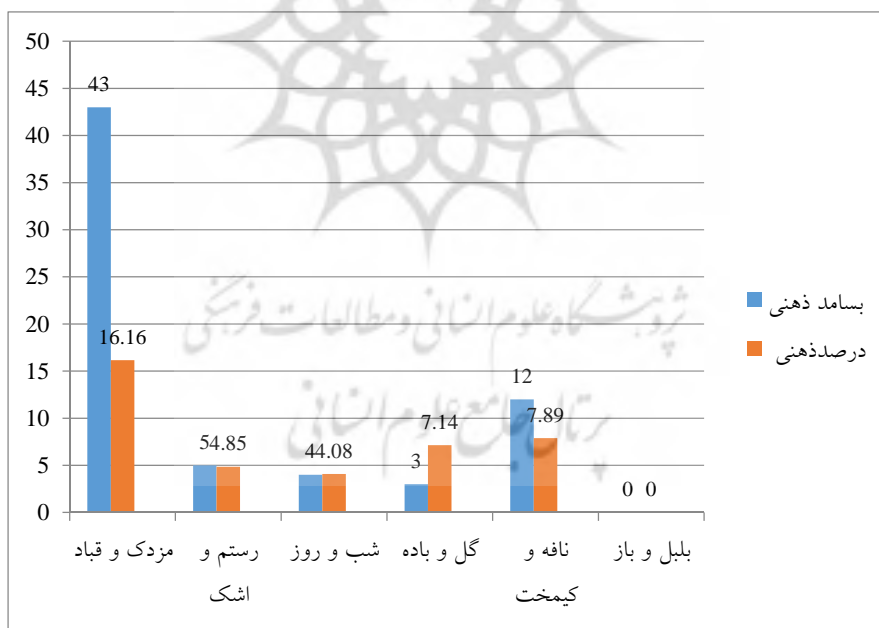
نمودار ۱. فراوانی و درصد فرایندهای مادی در مناظره های برجسته منظوم از قرن ۴ تا قرن ۷



نمودار ۲. فراوانی و درصد فرایندهای رابطه‌ای در مناظره های برجسته منظوم از قرن ۴ تا قرن ۷

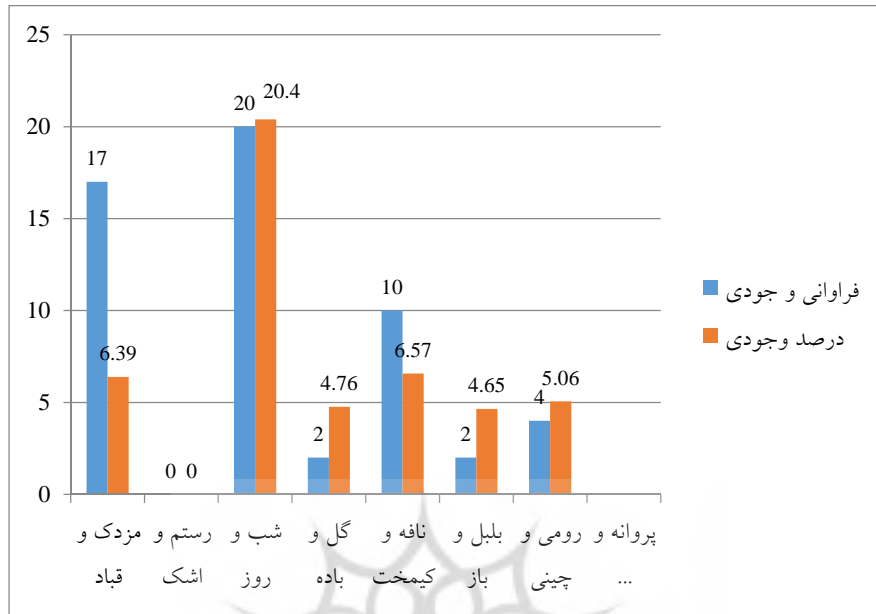


نمودار ۳. فراوانی و درصد فرایندهای بیانی در مناظره های برجسته منظوم از ۴ تا قرن ۷

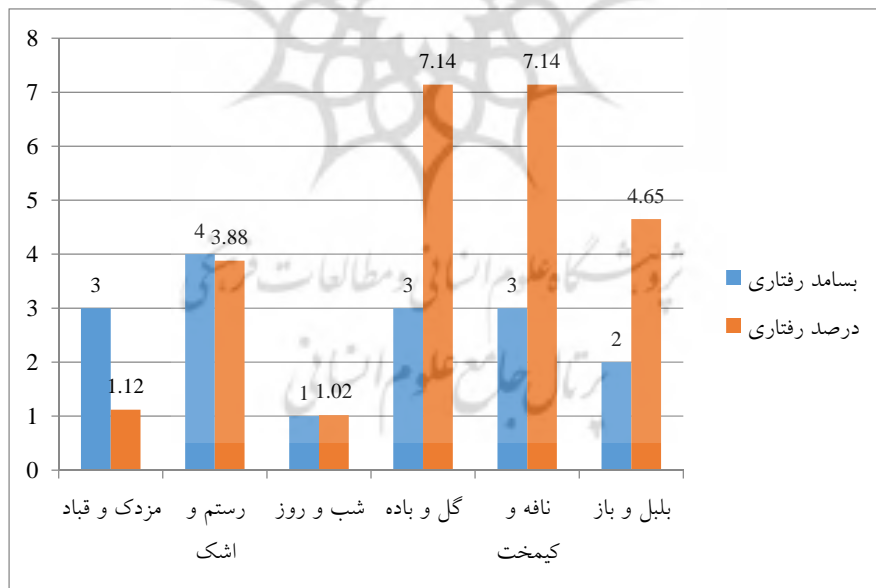


نمودار ۴. فراوانی و درصد فرایندهای ذهنی در مناظره های برجسته منظوم از ۴ تا قرن ۷

بررسی سبک‌شناسانه فرایندهای ... (زهرای بتول باقریان هکائی و دیگران) ۷۵



نمودار ۵. فرآوانی و درصد فرایندهای وجودی در مناظره‌های برجسته منظوم از قرن ۴ تا قرن ۷



نمودار ۶. فرآوانی و درصد فرایندهای رفتاری در مناظره‌های برجسته منظوم از قرن ۴ تا قرن ۷

## ۶. تحلیل و بررسی نمودارها

در این بخش، سیر تحول سبکی مناظره‌ها از قرن چهارم تا قرن هفتم بر اساس بسامد کاربرد انواع فرایند (که در هر قرن جهان بینی و نگرش شاعر آن را نشان می‌دهد) بررسی خواهد شد.

فرایندهای مادی در مناظره‌های برجسته‌ی قرن چهارم: «مزدک، قباد، موبد» و «رستم و اشکبوس» از فردوسی، بیشترین کاربرد را دارند. بسامد زیاد فرایندهای مادی نشان می‌دهد که شاعر در این مناظره‌ها، کنش‌های عینی و مادی شخصیت‌های داستان را بیشتر مورد توجه قرار داده است. به عبارت دیگر این شخصیت‌ها، با جهان بیرون و نقش‌پذیری در قالب اعمال فیزیکی و مادی ارتباط بیشتری دارند. همچنین بافت حماسی مناظره‌های نام برده ایجاب می‌کند که فرایندهای مادی کاربرد بیشتری داشته باشند. این ویژگی موجب می‌شود که صحنه‌های داستان زنده، پویا و عینی باشند و خواننده بتواند آن‌ها را به راحتی در ذهن مجسم کند. به عنوان نمونه، در ابیات زیر برای توصیف کنش فیزیکی و جنگاوری شخصیت‌های داستان در مناظره‌ی مزدک، قباد و موبد و مناظره‌ی رستم و اشکبوس از فرایندهای مادی استفاده شده است.

چند مثال از مناظره‌ی مزدک، قباد و موبد:

ورا شاه بنشانند بر دست راست ندانست لشکر که موبد کجاست

(فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۸: ۴۵)

به دشت آمد از مزدکی صد هزار برفتند شادان بر شهریکش

(همان: ۴۵)

بکشندشان هم بسان درخت زبر، پای و زیرش سر آکنده سخت

(همان: ۴۹)

چند مثال از رستم و اشکبوس:

چو نازش به اسب گران‌مایه دید کمان را بزه کرد و اندر کشید

(همان: ۱۹۶)



یکی تیر زد بر بر اسب اوی که اسب اندر آمد ز بالا به روی

(همان)

بر او راست، خم کرد و خم، کرد راست خروش از خم چرخ چاچی بخواست

(همان)

کاربرد فرایندهای مادی در مناظره‌های منظوم قرن ۴، فراوانی بیشتری از کاربرد آن در قرن‌های ۵ و ۶ دارد. این کاربرد نشان‌دهنده‌ی آن است که کنش‌ها، اعمال و جنگ‌آوری‌های شخصیت‌ها، نمود بیشتری در مناظره‌های قرن ۴ دارند. در مقابل، فرایندهای رابطه‌ای در مناظره‌های منظوم قرن‌های ۵ و ۶ بیشترین بسامد را دارند.

از سوی دیگر، کاربرد فرایندهای مادی نیز در مناظره‌های قرن‌های ۵، ۶ و در برابر دوره‌پیشین (قرن ۴) کمتر شده‌است و نشان می‌دهد که فضاهای داستانی در مناظره‌های قرن‌های ۵ و ۶، بیشتر با جهان درون در ارتباط بوده و شکل انتزاعی و توصیفی بیش‌تری داشته‌اند. همچنین در قرن ۷ فرایندهای مادی با اختلاف اندکی، بیش‌تر از فرایندهای رابطه‌ای به کار رفته‌اند. این بسامد با توجه به بافت مناظره‌ها، نشان‌دهنده‌ی آن است که شاعران، فرایندهای مادی را برای ملموس کردن مفاهیم ذهنی، انتزاعی و عرفانی و تقریب آن‌ها به ذهن به کار برده‌اند. به عبارتی دیگر، کاربرد فرایندهای مادی در قرن ۷ با قرن ۴ متفاوت است. فرایندهای رابطه‌ای نیز در خدمت بافت انتزاعی و توصیفی مناظره‌ها هستند.

مثال:

نمونه‌هایی از فرایندهای رابطه‌ای در قرن‌های ۵ و ۶ و ۷:

روز از شب چو شنید این بشد آشفته و گفت خامشی کن، چه درایی سخن نامحکم

(مدبری، ۱۳۷۰: ۵۵۲)

تو به چهر از حبشی، فخر به حسن از چه کنی؟

حبشی را چه رسد حسن، اگر هست صنم؟

(مدبری، ۱۳۷۰: ۵۵۲)

بوسه بر سنگ سیاه و مصحف روشن دهم

گرچه سون کوثر همه تن لب شود اجزای من

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۳۲۳)

روزه کردم نذر چون مریم که هم مریم صفاست

خاطر روح القدس پیوند عیسی زای من

(همان: ۳۲۱)

باز بدو گفت همه گوش باش خامشیم بنگر و خاموش باش

(نظامی، ۱۳۸۴: ۱۶۱)

چرخ که در معرض فریاد نیست هیچ سر از چنبرش آزاد نیست

(همان: ۱۶۲)

دست رامش به من شده است قوی کار شادی به من گرفته قوام

(فرخی سیستانی، ۱۳۷۸: ۲۲۸)

خام گفتم سخن و لیکن تو نیستی پخته چون بگویی خام

(همان: ۲۲۷)

در فرو بستند و صیقل می‌زدند همچو گردون ساده و صافی شدند

(مولانا، ۱۳۹۵، دفتر اول: ۱۵۹)

از دو صد رنگی به بی‌رنگی ره می‌است رنگ چون ابر است و بی‌رنگی مهی است

(همان)

نمونه‌هایی از فرایندهای مادی در مناظره های قرن ۷ که برای تقریب مفاهیم عرفانی و

انتزاعی به ذهن به کار رفته است:

در فرو بستند و صیقل می‌زدند همچو گردون ساده و صافی شدند

(همان)

بررسی سبک‌شناسانه فرایندهای ... (زهرای بتول باقریان هکانی و دیگران) ۷۹

هرچه آن‌جا دید این‌جا به نمود دیده را از دیده‌خانه می‌ربود

(همان)

شه درآمد دید آن‌جا نقش‌ها می‌ربود آن عقل را و فهم را

(همان)

رفت فکر و روشنایی یافتند نحر و بحر آشنایی یافتند

(همان)

یکی گفت پروانه را ای حقیر برو دوستی درخور خویش گیر

(سعدی، ۱۳۸۱: ۱۱۲)

رهی رو که بینی طریق رجا تو و مهر شمع از کجا تا کجا

(همان)

نه دل دامن دلستان می‌کشد که مهرش گریبان جان می‌کشد

(همان: ۱۱۳)

بعد از فرایندهای مادی و رابطه‌ای، بسامد فرایندهای بیانی، نیز در قرن چهارم بیشتر از قرن‌های پنج، شش و هفت است. فرایندهای بیانی ویژگی مکالمه‌ای و گفتگویی به متن می‌بخشد و نیز برای نقل قول راوی داستان از شخصیت‌ها به کار می‌روند. با توجه به این‌که فراوانی فرایندهای بیانی در طی این چهار قرن سیر نزولی داشته است، می‌توان به این نتیجه رسید که در این بازه‌ی زمانی، به مرور از ویژگی گفتگویی متن کاسته شده است.

ز چیزی که گفتند پیغمبران همان دادگر موبدان و ردان

(شاهنامه، ۱۳۸۴، ج: ۸، ۴۴)

گفت شب فضل شب از روز فزون آمد زآنک روز را باز ز شب کرد خداوند قــــدم

(مدبری، ۱۳۷۰: ۵۵۲)

نافه را کیمخت رنگین سرزنش‌ها کرد و گفت نیک بدرنگی نداری صورت رعنای من

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۳۲۱)

چینیان گفتند یک خانه به ما خاص بسپارید و یک، آن شما

(مولانا، ۱۳۹۵، دفتر اول: ۱۵۹)

فرایندهای ذهنی در مرتبه‌ی چهارم قرار می‌گیرند و بسامد آن‌ها از قرن چهارم تا قرن هفتم متغیر است. قرن چهارم بیشترین بسامد را دارد؛ کاربرد این فرایند در قرن پنجم خیلی کم‌تر از قرن چهارم، در قرن ششم اندکی بیشتر از قرن پنجم، و بالاخره در قرن هفتم کمی بیش‌تر از دو برابر قرن ششم است. با این وجود، تعداد این فرایند در قرن چهارم تقریباً دو برابر قرن هفتم است؛ البته، کاربرد آن در قرن هفتم با قرن چهارم متفاوت است و برای نتیجه‌گیری‌های ذهنی و عرفانی به کار رفته است.

تهمت‌ن چنین داد پاسخ که نام چه پرسى كز این پس نبینی تو كام

(شاهنامه، ۱۳۸۴، ج ۴: ۱۹۶)

تا كی از راه مطربان شنوم که تو را می دهد همی دشنام

(فرخی سیستانی، ۱۳۷۸: ۲۲۷)

روی دیلم دیدم از غم موی زوبین شد مرا همچو موی دیلم اندر هم شکست اعضای من

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۳۲۱)

یکی را نصیحت نگو ای شگفت که دانی که در وی نخواهد گرفت

(سعدی، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

بسامد فرایند وجودی در مرتبه‌ی پنجم (بعد از فرایند ذهنی) و بسیار کمتر از فرایندهای پیشین است و از قرن چهارم تا هفتم، سیر نزولی دارد. به این دلیل است که هستی و وجود در مناظره‌های مورد نظر کمکی به پیش‌برد اهداف مناظره‌ها و نتیجه‌گیری پایانی نمی‌کند.

فراوان ز گیتی سران بر درند فرود آوری گرز در بگذرند

(فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۸: ۴۹)

من بمانم مدام و آن که نهاد نام من زین قبل نهاد مدام

بررسی سبک‌شناسانه فرایندهای ... (زهرای بتول باقریان هکائی و دیگران) ۸۱

(فرخی سیستانی، ۱۳۷۸: ۲۲۷)

طعمه‌ی من مرغ شکاری چراست      خانه‌ی من بر سر خاری چراست

(نظامی، ۱۳۸۴: ۱۶۱)

مرا چون خلیل آتشی در دل است      که پنداری این شعله بر من گل است

(سعدی، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

و سرانجام، فرایند رفتاری در آخرین مرتبه و کم‌ترین بسامد قرار دارد و مانند فرایند وجودی، فراوانی آن در طول این چهار قرن تفاوت چندانی ندارد؛ به این دلیل که فرایند رفتاری در ایده‌ی محوری و نتیجه‌گیری مناظره‌ها تأثیری نداشته است.

تهمت برآشفت و با طوس گفت      که رهام را جام باده است جفت

(فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۱۹۴)

گل بخندید و باغ شد پدرام      ای خوشا این جهان بدین هنگام

(فرخی سیستانی، ۱۳۷۸: ۲۲۷)

تا نترسند این دو طفل هندو اندر مهد چشم      زیر دامن پوشم اژدرهای جان‌فرسای من

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۳۲۳)

نگه کن که پروانه‌ی سوزناک      چه گفت ای عجب گر بسوزم چه باک؟

(سعدی، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

## ۷. نتیجه‌گیری

از میان نظریه‌های جدید، زبان‌شناسی نقش گرا، برای خوانش متون کلاسیک منظوم بسیار کارآمد است. با توجه به پرسش‌های این پژوهش بر آن شدیم تا دریابیم در مناظره‌های برگزیده‌ی منظوم از قرن چهارم تا پایان قرن هفتم، کدام فرایندها بیشترین و کم‌ترین بسامد را دارند؟ و بسامد زیاد یا کم این فرایندها چه تناسبی با تحولات اندیشه‌ی شاعران در این چهار قرن دارد؟ در مناظره‌های برگزیده‌ی منظوم در قرن چهارم، فرایندهای مادی و در

مناظره‌های قرن‌های پنجم و ششم، فرایندهای رابطه‌ای، بیشترین بسامد را دارند. در قرن هفتم نیز، فرایندهای مادی و رابطه‌ای اختلاف بسامد اندکی دارند و فراوانی فرایندهای مادی کمی بیش‌تر از فرایندهای رابطه‌ای است؛ با این تفاوت که فرایندهای مادی در قرن‌های ششم و هفتم، برای تقریب مفاهیم انتزاعی و ذهنی به ذهن به کار رفته‌اند، اما در قرن چهارم، واقع‌گرایی بیشتری داشته‌اند؛ بنابراین مناظره‌های برگزیده‌ی منظوم در این چهار قرن، در زمینه‌ی فرانش اندیشگانی تحولاتی را پشت سر گذاشته‌اند. این تحول بیان‌گر آن است که از قرن چهارم تا قرن هفتم، مناظره‌ها از عینی بودن و برون‌گرایی به سمت توصیف و درون‌گرایی متمایل شده‌اند. به بیان دیگر، نحوه‌ی استفاده از فرایندهای مناظره‌ها در طول این چهار قرن، تطورات فراوانی داشته‌است. در مرحله‌ی بعد، بسامد فرایندهای بیانی در قرن چهارم بیشتر از قرن‌های پنجم، شش و هفت است. کارکرد فرایندهای بیانی، بروز ویژگی مکالمه‌ای در متن و نقل قول راوی داستان از شخصیت‌های آن است. بسامد متغیر فرایندهای بیانی در طی این چهار قرن و سیر نزولی آن، نشان می‌دهد که در این بازه‌ی زمانی، به مرور از ویژگی گفتگویی مناظره‌ها کاسته شده است؛ و بالاخره بسامد فرایندهای وجودی و رفتاری خیلی کمتر از دیگر فرایندها از قرن چهارم تا قرن هفتم است. به این دلیل که در ایده‌ی محوری و نتیجه‌گیری مناظره‌ها تأثیری نداشته‌اند.

## کتاب‌نامه

- آذرچین، مهدی و فرشته میلادی (۱۳۹۸). «مقایسه‌ی کارکردهای بلاغی ندا در اسرار التوحید و مقامات ژنده‌پیل بر مبنای فرانش اندیشگانی»، دوفصل‌نامه‌ی کهن‌نامه‌ی ادب پارسی، سال دهم، شماره اول
- ایران زاده، نعمت‌الله (۱۳۸۳). «مناظره‌ی شانه و آینه، تصنیف میر علی کبیر»، مجله‌ی دانش، شماره ۷۶-۷۷.
- ایشانی، طاهره (۱۳۹۳). «بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، زبان‌شناخت، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره اول.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۸۵). زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی؛ تهران: هرمس.

بررسی سبک‌شناسانه فرایندهای ... (زهره بتول باقریان هکائی و دیگران) ۸۳

خاقانی، افضل‌الدین بدیل بن علی (۱۳۸۸). دیوان، به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، چاپ نهم، تهران: زوار.

دبیر مقدم، محمد (۱۳۸۷)، زبان‌شناسی نظری، تهران: سخن.

سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۸۱). بوستان، به تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ هفتم، تهران: خوارزمی.

شریف‌نسب، مریم (۱۳۹۰). «ارتباط کلامی در شعر کهن پارسی (سؤال و جواب، مکالمه، مناظره و دیالکتیک)»، کهن‌نامه ادب پارسی، سال دوم، شماره دوم.

صدری، نیره (۱۳۸۴). بررسی سبک‌شناختی گلستان سعدی با تکیه بر زبان‌شناسی نقش‌گرا (بر اساس حکایت‌های برگزیده از تمامی ابواب)، رساله دکتری، تهران: گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی.

فرخی سیستانی، علی بن جولوغ (۱۳۷۸). دیوان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ پنجم، تهران: زوار.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، جلد چهارم، چاپ هفتم، تهران: قطره.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، جلد هشتم، چاپ هفتم، تهران: قطره.

مدبری، محمود (۱۳۷۰). شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان در قرن‌های ۳/۴ و ۵ هجری؛ تهران: پانوس.

مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقش‌گرا، تهران: مرکز.

نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۸). مخزن الاسرار، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، ج ۲، تهران: زوار.

هلیدی مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳). زبان بافت و متن؛ ترجمه‌ی مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، تهران: علمی.

Halliday, m.a.k(1985), An introduction to functional grammar London: Edward Arnold.

Halliday, m.a.k(2004). An introduction to functional grammared, .New York:Axford university press inc

Halliday. m.a.k. and and Matthiessen (2004). An introduction to functional grammar,London: Edward Arnold.

Thompson,Geof(2004). Introducing Functional Grammar, New York: Axford university press inc.

- Azarhazin Milad and Fereshteh Miladi(2019). "A comparision of rhetorical functions of Exclamatory structures in Asrar-al -Tohid and Maghamat-e- Gende pil based on ideational metafunctions". Classical Persian Literature, 10(1). 1-27.
- Dabir Moghadam, Mohammad (2008). Theoretical Linguistics, Tehran, Sokhan.
- Farokhi Sistani, Ali Ibn Jolough (1999), Divan, by Mohammad Dabirsiyaghi, Fifth Edition,
- Ferdowsi, Abolghasem(2005). Shaahname, by Saied Hamidian,volume 4,seventh edition,Tehran,ghatre.
- Ferdowsi, Abolghasem(2005). Shaahname, by Saied Hamidian,volume 8,seventh edition,Tehran,ghatre.
- Halliday, Michael and Ruqaiya Hassan(1393). Language, Context and Text, Mojtaba Monshizadeh, Tahere Ishani,Tehran.
- Halliday, m.a.k(1985). An introduction to functional grammar(first edition) Edward Arnold: London..
- Halliday, m.a.k(2004). An introduction to functional grammar(3rd ed). .New York: Axford university press inc.
- Halliday. m.a.k. and and Matthiessen (2004). An introduction to functional grammar,London: Edward Arnold.
- Iranzadeh, Nematollah (2004). "The Debate between the Comb and the Mirror, the ballad of Mir Ali Kabir", Journal of Knowledge, No. 76-77.
- Ishani, Tahereh(2014). "A Study of the Stylistic and Personality Traits of Simin Daneshvar Using Functional Linguistics Approach", Linguistics, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Vol. 5, No. 1, 9.
- Khaghani, Afzal-al-Din Badil Ibn Ali(2009). Divan, by Zia-al-Din Sajjadi, Ninth Edition, Tehran, Zavar.
- Modabberi, Mahoud (1991). Biography and Poetries of Poets without Divan in 3, 4 and 5 AH, Tehran, Panous. -Mohajer, mehran and Mohammad Nabavi(1376), To the linguistic of poem ; A functional approach,Tehran.
- Nezami, Elias Ibn Yousef (2009). Makhzan al-Asrar, Edited and Annotated by Hassan Vahid Dastgerdi, Second Edition, Tehran, Zavar.
- Pourjavadi, Nasrollah (2006). Present Language in Mysticism and Persian Literature, Tehran, Hermes.
- Saadi, Musharraf al-Din Mosleh ibn Abdullah (2002).Boostan, Edited and Explained by Gholam Hossein Yousefi, Seventh Edition, Tehran, Kharazmi.
- Sadri, Nayreh (2005). A Study of Gulistan of Sa'di's Stylistics Based on Functional Linguistics (on the Basis of Selected Anecdotes from All Chapters), Ph.D Dissertation, Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University.
- Sharif Nasab, Maryam(2011). "Verbal Communication in Ancient Persian Poetry (Questions and Answers, Conversation, Debate and Dialectics)", Ancient Persian Literature, Vol. 2, Second No. 2.



بررسی سبک‌شناسانه فرایندهای ... (زهرا بتول باقریان هکانی و دیگران) ۸۵

Thompson, Geof. (2004). *Introducing Functional Grammar* (2nd ed), New York: Oxford university press inc

